

تأملی به دستاوردهای ایثار حسینی در دو شعر عاشورایی از سید عباس شبّر و خوشدل تهرانی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۱۲

فرشته صفاری^۱

چکیده

پرداختن به حادثه عظیم عاشورا با تمام ابعاد و زوایای نهان و آشکار آن در ادبیات معاصر با تفاوت‌هایی محسوس نسبت به دوره‌های قبل روبه‌رو بوده است. در دوره حاضر، آن چه بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند، مرثیه‌هایی است که با استفاده از آرایه‌های ادبی شکوهمندانه و عزت‌مدارانه، این واقعه سترگ را ترسیم می‌کند و مخاطبان را به تلفیق منطقی شور و شعور حسینی برمی‌انگیزاند. قیام خونین امام حسین علیه السلام شاخص‌ترین نتایج ایثار حسینی را به همگان معرفی می‌کند. در این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی با انتخاب دو قطعه شعر از سید عباس شبّر و مرحوم خوشدل تهرانی به بررسی مهم‌ترین ابعاد واقعه عاشورا از دریچه واژگان این دو ادیب می‌پردازیم. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که پایمردی و ایثار حسینی، عزت، سرافرازی، شرافت، بزرگواری و... را دیگر بار تجدید کرد.

کلیدواژه‌ها: دستاورد، ایثار حسینی، شعر عاشورایی، سید عباس شبّر، خوشدل تهرانی.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب (Fe_saffari@yahoo.com)

جهاد و مبارزه در راه حق با الفبای گذشت و ایثارگری، ارتباطی عمیق و ریشه‌دار دارد. آن‌کس که در مسیر جلب رضایت پروردگار لباس رزم بر تن می‌کند، از همه امیال و آرزوهای نفسانی دست شسته و آگاهانه و مخلصانه حدیث ایستادگی را در تاریخ رشادت ثبت می‌کند. واقعه عظیم شهادت حسین بن علی علیه السلام و یاران باوفایش الگویی بی‌بدیل برای همه کسانی است که در این مسیر ثابت قدم هستند. آنان که با پرداخت‌های ادبی این تجلی حضور را ماندگار می‌کنند و به آن شکوهی مضاعف می‌بخشند، در این همراهی و مشارکت مجاهدانه سهیم هستند. یکی از این گونه‌های موفق ادبی شعراست که از قدمتی دیرین برخوردار است و از ابتدا تا کنون مسیری پرفراز و نشیب را پشت سر گذاشته است.

شعر عاشورایی، شعری است که در مقام تبیین مقولات ارزشی این نهضت الهی است و متعهدانه حول محور مسائل زیربنایی آن حرکت می‌کند و شعر عاشورا به شعری اطلاق می‌شود که صرفاً به بیان عاطفی و ماتی و گاهی به جنبه‌های حماسی واقعه کربلا می‌پردازد. شعر عاشورایی دو دهه اخیر بیشتر به مفاهیم ارزشی عنایت دارد، گرچه از بیان عاطفی و حماسی نیز در تبیین این مقولات سود می‌جوید (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۲۴).

امروز انتظار مخاطبان از شعر عاشورایی نسبت به دوره‌های پیشین تغییرات چشم‌گیری داشته است. شعر عاشورایی امروز باید دارای بیان «عینی» و «ملموس» و شیوه گفتاری آن بر اساس مشهودات و مفاهیم مادی و محسوس، استوار باشد تا مخاطب بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار کند و آن را با تمام وجودش حس نماید و در عین حال امکان «برداشت فکری» و «دریافت اندیشگی» را به او بدهد. تاریخ مصرف مفاهیم معنوی، انتزاعی و غیر ملموس اگر کاملاً سر نیامده باشد، به پایان خود نزدیک می‌شود. «صدافت»، «ایثار»، «مرآت» و مفاهیمی از این دست، از ارزش‌های کلیدی عاشورا به شمار می‌روند و وظیفه شاعر این روزگار برای نشان دادن این مفاهیم ارزشی از بیان «عینی» و «مشهودی» بهره گرفتن است. اگر شما نه یک بار، بلکه صد بار در شعر عاشورایی خود، از مفاهیم غیرمادی و غیرملموس استفاده کنید، مخاطب شعر شما برداشت درستی از آنها



نمی‌تواند داشته باشد؛ زیرا آنها را هرگز ندیده و لمس نکرده است (همو: ۱۱۳). درباره موضوع مورد پژوهش تاکنون تحقیقی صورت نگرفته است. در این مقاله با انتخاب دو شعر عاشورایی از دو شاعر معاصر عرب و فارس، ضمن ارائه تعریفی از مبحث ایثار اجتماعی به مهم‌ترین دستاوردهای آن از دریچه اشعار دو ادیب پرداخته‌ایم و به کارایی مهم صور خیال در ترسیم مفاهیم بلند عاشورایی اشاره داشته‌ایم. مهم‌ترین پرسشی که در صدد پاسخ‌گویی به آن هستیم، این است که اصلی‌ترین دستاوردهای قیام حسینی در شعر عاشورایی دو شاعر معاصر عرب زبان و پارسی‌گوی سید عباس شبر و خوشدل تهرانی چیست؟

مفهوم ایثار اجتماعی

آن‌چه در خداداد عظیم عاشورا بیش از پیش جلوه‌گری می‌کند، تقید به روحیه ایثار و از خودگذشتگی در وجود مقدس امام و یاران باوفای ایشان است. پس لازم است قبل از وارد شدن به دستاوردهای قیام، ابتدا به مفهوم ایثار اجتماعی به عنوان عامل زمینه‌ساز اشاره‌ای کوتاه داشته باشیم. استاد مطهری در وصف کلیدواژه ایثار، چه زیبا فرمود:

ایثار یکی از باشکوه‌ترین تجلیات عاطفی روح انسان است. (مطهری، ۱۳۶۴:

۳۰۳/۱)

در تعریف ایثار گفته‌اند: ایثار یعنی برگزیدن و اختیار کردن و اکرام کردن و تفصیل دادن و در اصطلاح اختیار کردن غیر است بر خود از روی قصد و نیت (سجادی، ۱۳۷۹: ۳۵۶/۱). ایثار بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن و سود او را به سود خود مقدم داشتن، قوت لازم و مایحتاج خود را بر دیگری بخشیدن (عمید، ۱۳۸۹: ۱/۱۹۱). ایثار بر سه وجه است؛ اول آن‌که خلق را برگزیند بر نفس خود، در حالی‌که موجب دینی بر او نشود و سبب تحمل مشقت و اتلاف وقت و غیره نشود. دوم ایثار رضای خدا بر رضای غیر خدا، اگر چه در آن دشواری‌ها باشد و مشقت زیادی را در برداشته باشد و تحمل دشواری‌هایی را لازم داشته باشد. سوم ایثار خدا؛ زیرا فرورفتن در ایثار خود

دعوی مالک بودن خود است؛ یعنی ایثار را از خداوند داند و خود را هیچ پندارد. هجویری می‌گوید: ایثار بر لقمه، کارسگان است، مردان جان و زندگانی ایثار می‌کنند (سجادی، ۱۳۷۹: ۱/۳۵۱).

در یک تقسیم‌بندی دیگر، ایثار بر سه وجه آمده است: ایثار در مال، در جان و در دعا. از برترین موارد ایثار، ایثار جان است. سفارش پنجمی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این فرمایش به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

وَ الْحَامِسَةُ بِذَلِكَ مَالِكَ وَ دَمَكَ دُونَ دِينِكَ؛ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲/۲۴۶)

[یا علی!] سفارش پنجم من به تو این است که مالت را و خونت را در راه دینت نثار کنی.

یکی از ویژگی‌های مهم مکتب تشیع، مسئله شهادت‌طلبی و ایثار جان و خون در راه دفاع از دین است. این ویژگی که اصل آن از سیره اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود، آن‌چنان در شیعه برجسته است که شیعه امروزه در دنیا به همین وصف شناخته می‌شود و جامعه‌شناسان آن را یکی از رموزهای موفقیت و بقای شیعه در طول تاریخ ارزیابی می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۲۱). در قرآن کریم به موارد متعدد ایثار اشاره شده است و یکی از بارترین این آیات مربوط به ایثار مولای متقیان در لیلۃ المبیت است که الگوی کاملی برای ایثار است و قطعاً ایثارگری اهل بیت در روشن‌گری و هدایت جامعه، نقشی بسزا داشته است.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أُتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛ (بقره/۲۰۷)

بعضی از مردم [با ایمان و فداکار، همچون علی علیه السلام در لیلۃ المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله] جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشدند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

حقیقتاً دست یافتن به زیبایی‌های الهی جز با ایثار حاصل نمی‌شود. انسان تا از خود نگذرد و به فراتر خویش نرود، حق، انسانیت و ارزش‌های والای دین و مردم را بر خود مقدم ندارد، به امری قدسی و اعتباری الهی دست نمی‌یابد و به نیکویی‌های حقیقی واصل

نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۰).

نگاهی گذرا به حیات سید عباس شبر

عباس شبر به سال ۱۳۲۱ق در بصره متولد شد. از همان سنین جوانی به شاعری اشتغال داشت، اما آن را بر هر کس عرضه نمی‌داشت؛ چرا که ایشان به تدریس فقه و اصول در نجف مشغول بود و اکثر طلاب علوم دینی یا از شعر روی‌گردان‌اند، یا از انتشار آن در میان مردم خودداری می‌کنند، اما سید عباس شبر رحمته‌الله این مسیر را در پیش نگرفت؛ چرا که او در شعر گم‌شده‌ای یافت که او را به مردم ملحق می‌ساخت. وجه شاعری او به رغم شهرتی که خاندان شبر داشتند، ناشناخته است. استاد ابراهیم الوائلی استاد دانشگاه بغداد در آن روزگار در مجله *راعی* کاری کرد او را شناخت و از همان زمان مکاتباتی با او انجام داد که آثارش در این مجله منتشر شد. همچنین تعدادی از قصاید او در مجله *اعتدال نجفی* که آن را استاد محمد علی بلاغی چاپ می‌کرد به چاپ رسید. او فقیه و مرشد و نماینده علمای زمان خویش در بصره بود. هرگاه در حضور دانشمندان بزرگ در نجف درس می‌داد، ذکاوت و هوشمندی‌اش حیرت‌آساید را برمی‌انگیخت، تا جایی که از جانب علمای بزرگی چون سید ابی الحسن موسوی، میرزا محمد نایینی و شیخ محمد حسین کاشف الغطا، اجازه اجتهاد دریافت کرد، در حالی که هنوز به چهل سالگی نرسیده بود (النصراوی، ۱۴۳۶: ۸۶-۸۷).

وی فقیه و ادیبی بود که با اصرار بزرگان و از جمله «سید ابوالحسن» منصب قضاوت شرعی را در «عماره» و سپس در «بصره» عهده‌دار شد. او از نوابغ عصر خود بود و اکثر مجلات از جمله *الهاتف*، *الغری* و *البیان* از آثار او بهره‌برده‌اند (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۷۴۲/۱). شاعر معاصر عراقی نسبت به حادثه عظیم کربلا بسیار متعصب است. وی در اخلاق، بخشنده و رقیق القلب و نرم‌خو بود و اگر خشم او را احاطه می‌کرد، زودگذر بود. نقل شده که خشم و عصبانیت او در یک جلسه احتجاج درری ظاهر شد و آن به خاطر شعری بود که شاعر معاصر نزار قبانی در یک کنفرانس ادبی در بغداد در سال ۱۹۶۹ سرود:

و جراح الحُسين بعض جراحی و بصدری من الأسی کربلاء

«جراحت حسین در قلب من جراحت و زخم ایجاد کرده و در سینه‌ام اندوه کربلا به پاست».

شبر از این که به زخم‌ها و جراحت‌های امام حسین اهانت شد، عصبانی گردید و سه بیت شعر سرود و آن را به استاد جعفر الخلیلی که با هم عازم سفر به بیروت بودند داد تا آن را به نزار بدهد یا در روزنامه چاپ کند.

تَعَارَضَ بِالْجِرَاحِ سَلِيلُ طَه وَ شَتَانُ الْمَقَاصِدِ وَ الدَّمَاءِ
جِرَاحَكَ (یا نزار) عَلَى الْغَوَانِي مَحْبِسَةً وَ تُلَعِّنُهَا السَّمَاءِ
وَ لِلْإِصْلَاحِ وَ الدِّينِ الْمَفْدَى جِرَاحَاتِ الْحُسَيْنِ وَ كَرِبَلَاءِ

«نواده پیامبر ﷺ با زخم‌ها روبه‌رو شد و میان مقصدها و خون‌ها تفاوت است. زخم و جراحت تو ای نزار، به خاطر زنان زیباروی است که آنان را آسمان لعن می‌کند و زخم‌های حسین و کربلا برای اصلاح و دین فدا شده است».

از جمله مهم‌ترین آثار ایشان می‌توان به *دیوان الموشور*، *دیوان جواهر و صور*، *الانفاس المحترقه*، *الرد علی‌المسیحیین و الملحمة السماویة* اشاره کرد. وی سرانجام در روز عید غدیر سال ۱۳۹۱ ق وفات یافت. آرامگاه ایشان در سمت راست ورودی صحن علوی باب القبله غرفه شماره ۱۳ واقع شده است (النصراوی، ۱۴۳۶ ق: ۸۷-۸۹).

مهم‌ترین دستاوردهای قیام امام حسین علیه‌السلام در شعر عباس شبر

قیام عظیم حسین بن علی علیه‌السلام بنا بر فرموده خود ایشان برای طلب اصلاح امت جدش و احیای فریضه حیاتی امر به معروف و نهی از منکر انجام پذیرفت.^۱ این هدف متعالی، دستاوردهایی مهم بر جای گذاشت که گذشت زمان از ارزش و اعتبار آنها نکاسته است.

۱. تشویق ایثار جان در راه خدا

از مهم‌ترین شاخصه‌های مسلمان حقیقی، پیکار با دشمنان و جانبازی در این راه مقدس است؛ چنان‌که حضرت حسین علیه‌السلام نیز سرور همه آزاد مردانی است که با اهدای

۱. وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.

جان شیرین خود درسی بزرگ به پیروان و ارادتمندان خود آموخت .
 مدرسه حسینی، مدرسه تربیت برای گذشتن از محبوب‌ترین تعلقات آدمی در راه خدا
 و برای خدا و در جهت برپاداشتن حق و عدل است. حسین علیه السلام همه چیزش را فدا کرد تا
 حقیقت زنده بماند و عدالت رخ نماید و مردم با عزت زندگی کنند و تن به ذلت ندهند.
 حسین علیه السلام بنای قیام خود را بر فداکاری در راه حق گذاشت و از همان آغاز این حقیقت را
 اعلام کرد و پیوسته بر آن تأکید نمود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۱)؛ چنان‌که در وصیت‌نامه
 خود به محمد حنفیه نوشت:

فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِالْحَقِّ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَصْبِرُ حَتَّىٰ يَقْضِيَ اللَّهُ
 بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ؛ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ؛ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۱/۳۱۰)

پس هرکس مرا بپذیرد و به قبول حق قبول کند، پس خداوند سزاوارتر است به
 حق. و هرکس مرا در این امر رد کند و قبول ننماید، پس من صبر و شکیبایی پیشه
 می‌گیرم، تا آن‌که خداوند میان من و میان این جماعت، حکم به حق فرماید.

راه حسین علیه السلام جز با فداکاری و از خودگذشتگی طی نمی‌شود و هرکس بخواهد در
 سلک حسینیان درآید، باید آماده فداکاری در راه حق و از خودگذشتگی در راه دین باشد
 (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۲).

شاعر معاصر در آغازین ابیات خود، چه زیبا به اوج ایثار امام اشاره می‌کند. سید
 عباس شبر تداعی‌کننده این عبارت مشهور امام علیه السلام است که در شب عاشورا ضمن
 خطبه‌ای در میان خاندان و یاران خود فرمود:

مَنْ كَانَ فِيْنَا بِإِذْلًا مُهَجَّتَهُ وَ مُوْظِنًا عَلَىٰ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا؛
 هرکس در راه ما خون می‌دهد و برای دیدار ما (دیدار خدا) آماده است، کوچ کند
 که من به خواست خدا، صبح، کوچنده‌ام.

يَا بَاإِذْلًا فِي سَبِيلِ الْحَقِّ مَهْجَتُهُ وَ مَا حَقًّا كَلَّ تَمْوِيَةَ وَ تَأْسِيسَ
 «ای سخاوتمندی که در راه حق کوششت را برای دگرگونی و تأسیس و به پای داشتن آن
 (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳) نمودی».

کلمه بذل، به معنای رها کردن نگهداری از چیزی است، و این کار، نشانه آن است که

نگهداری از آن چیز، برای انسان اهمیتی ندارد. بدین سان می‌توان گفت که میان «بذل» و «هبه» به معنای بخشش، تفاوت ظریفی وجود دارد و بذل، یک درجه از هبه یا بخشش، بالاتر است. اگر کسی به شخصی دیگر، چیزی داد و کار خود را مهم تلقی نکرد، «بذل» نامیده می‌شود (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

«مهجه» در اصل به معنای خونی است که در درون قلب وجود دارد و حیات آدمی به آن بسته است. سپس به خود قلب اطلاق شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۶۴۱/۷). در آیات میانی دیگر باره اوج ایثار ایشان اشاره می‌کند و می‌گوید:

فِي ذِمَّةِ الدِّينِ مَا أَرْخَصْتَ مِنْ مَهْجٍ لِلدِّينِ سِلْبَنَ عَلَى السُّمْرِ الْمَدَاعِيسِ
 «در عهد و پیمان دینی خود جان خود را برای دین ارزان ندادی. جای زخم‌ها بر نیزه‌ها جاری شد.» (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

هیچ چیز امام حسین علیه السلام را در انتخاب راهش متزلزل نمی‌سازد و خانواده‌اش از همراهانی با وفا هستند که بنا به قول شاعر عراقی روزگار نمی‌تواند مانعی برای امام علیه السلام ایجاد کند:

ناهيكَ مِنْ نَهْضَةٍ غَصَّ الزَّمَانُ بِهَا لِمَا تَضَمَّ وَتَحَوَّى مِنْ نَوَامِيسِ
 هنگامی که خانواده و نوامیس تو در اطرافت گرد می‌آیند، روزگار از نهضتی که به واسطه آن غصه دار شد تو را نهی می‌کند. (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

ضربتَ رَقْمًا قِيَاسِيًّا يُحَارُّ لُهُ أَهْلَ الْحَسَابِ وَأَصْحَابِ الْمَقَائِسِ
 «ضربه‌ای بردشمنان وارد کردی که اهل حساب و کتاب را حیران کرد.»

(شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

۲. دفاع از شرافت اسلام

از مهم‌ترین و باارزش‌ترین ثمرات ایثار جان ایشان و یاران باوفایشان و نیز اسارات اهل بیتشان صیانت از کیان جامعه اسلامی در روزگاری است که بنا به قول مورخان، فساد و بی‌بندی دین را در آستانه نابودی و تحریف قرار داده بود و حقیقتاً امام حسین علیه السلام منجی این حرکت عظیم می‌شود.

غیرت دینی تلاش در نگاهبانی دین از آفت و حمیت در حفظ آن از بدعت و کوشش در ترویج آن است (نراقی، بی تا: ۳۰۳/۱). مدرسه حسینی می آموزد که چگونه باید نگاهبان دین بود و از آن پاسداری نمود و در ترویج آن کوشید. از مهم ترین علل قیام امام علیه السلام این بود که دین مورد تعرض قرار گرفته بود و امویان تلاش می کردند که دین را به تمامه از محتوا تهی کنند و جزپوستی از آن باقی نگذارند و به نام دین، مردم را به بندگی خود گیرند و تحت لوای دین به حقوق و حیثیت و شرافت مردمان تعدی نمایند و دارایی های ایشان را به غارت برند و دست به دست بگردانند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۳).

در همین آغاز نهضت بود که حسین علیه السلام خطاب به مروان بن حکم که او را به بیعت با یزید خواند و خیر دنیا و آخرتش را در آن اعلام نمود، فرمود:

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ، إِذْ قَدْ بُلِّغَتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ يَزِيدَ؛
(محمدی ری شهری: ۱۳۸۴: ۳/۴۱۰)

همانا ما از آن خداییم و به سوی او بازمی گردیم. با اسلام باید خداحافظی کرد، اگر امت [اسلام] به رهبری مانند یزید، دچار گردد.

غیرت دینی در مدرسه حسینی، اصلی مبتنی بر بیداری و خردورزی و زمانه شناسی و جامعه شناسی است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۳۶-۲۳۷). شاعر عراقی نیز به این واقعیت تاریخی اشاره کرده و می گوید:

وَمُنْقِدًا شَرَفُ الْإِسْلَامِ مِنْ فِتْنَةٍ يَزِيدُهَا الْبَغْيُ تَدْنِي سَأَلْتَدْنِي سِ
«و شرافت اسلام را از گروهی که ستم و دغلكاری را در آن زیاد می کرد نجات دادی.»

(شبر، ۱۹۸۰، ۱۰/۲۶۳)

در کلمه یزید، توریه وجود دارد. توریه در اصطلاح بدیع، آن است که لفظی بیاورند که دارای دو معنای نزدیک و دور از ذهن باشد و آن را طوری به کار ببرند که شنونده از معنای نزدیک به معنای دور منتقل شود (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۵). به این صورت که اسم یزید بن معاویه به کلمه حکم معنای نزدیک را دارد و فعل زیاد شدن در معنای دور است که معنای دور منظور است.

۳. ظلم ستیزی

از دیگر تبعات این قیام، مخالفت همیشگی شیعیان و پیروان ائمه اطهار علیهم السلام با ظلم و ستم است. ویژگی‌های قیام عاشورا ظلم ستیزی و مبارزه با طاغوت است. انسان به فطرت خود دوستدار عدالت و بیزار از ستم است و مدرسه حسینی، مدرسه رشد فطرت در جهت حقیقت آدمی است. حسین علیه السلام خود مظهر عدالت خواهی و ظلم ستیزی است و قیام او قیامی در جهت برپایی قسط و عدل و رفع ستم و ستم‌گری بوده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۸۶). فریاد ظلم ستیزی آن امام بزرگوار پیوسته شنیده می‌شود:

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ، وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ؛ (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۴۸-۲۴۹)

مگر نمی‌بینید که بر پایه حق رفتار نمی‌شود و از باطل، پرهیز نمی‌گردد؟

عباس شبر خطاب به امام مجاهد خویش این‌گونه می‌گوید:

بَعَثَتْ فِي الدِّينِ رَوْحًا كَانَتْ أَزْهَقَهَا جَوْرَ الظُّغَاةِ وَارْهَاقِ الْأَبَالِيسِ
در دین، روحی را دمیدی که جور ستمگران و طغیان‌گران و دسیسه‌های شیاطین را از
بین برد. (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

۴. پایبندی به اخلاص و گذشت

بی‌شک هرکاری بدون اخلاص و فداکاری بی‌حاصل است. آن‌چه در مسیر حق اهمیت و کارایی بسزایی دارد، خلوص نیت و تقوای الهی است که سخت‌ترین امور را آسان می‌نماید. اگر اخلاص نباشد، «مقدم داشتن دیگری» تحقق پیدا نمی‌کند. وقتی کسی با انگیزه‌ای غیر الهی، چیزی را که خود بدان نیازمند است، به دیگری می‌دهد، در واقع آن را به خودش داده است؛ چرا که انگیزه نفسانی و خودخواهی، او را به این عمل وادار می‌کند (محمّدی ری شهری و دیگران، ۱۳۸۴: ۱/۱۱۶).

امام علیه السلام مصداق بارز چنین انسانی است که در انجام نهضت عظیم خود ذره‌ای تردید به خود راه نمی‌دهد. مدرسه حسینی مدرسه دوستی انسان‌هاست؛ مدرسه عبور کردن از خودخواهی‌های فردی و جمعی و مدرسه دیگرخواهی است که انسان با چنین عبوری، از



مرزهای حیوانیت فردی و جمعی عبور می‌کند و در مرزهای انسانیت گام می‌نهد و هر چه در این مسیر پیش می‌رود، به مراتب بالاتری از انسانیت دست می‌یابد. انسان وارزندگی کردن، زندگی کردن نه برای خود، که برای دیگران است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

عباس شبر چه زیبا از این فداکاری و اخلاص سخن می‌گوید:

شَرَعَتْ دُسْتُورَ إِخْلَاصٍ وَ تَضَحِيَّةٍ فِي مَجْلِسٍ لِلْهُدَى وَالْحَقِّ

«قانون اخلاص و فداکاری را در مجلس هدایت و حقیقت تشریح کردی (وضع

نمودی). (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

بین واژگان «شَرَعْ»، «دُسْتُور»، «مَجْلِس»، «الهدی» و «الحق» مراعات النظیر وجود دارد. مراعات النظیر آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنا با یکدیگر متناسب باشند؛ خواه تناسب آنها از هم جنس بودن یا از جهت مشابهت، ملازمت و تضمن باشد (همایی، ۱۳۸۹: ۱۶۸). مجلس استعاره از میدان جنگ و کربلاست. نوع استعاره مرشحه است که همراه با چیزی باشد که با مستعار منه، یعنی مشبه به مناسبت دارد و مرشحه نامیده شده است، به خاطر قوت یافتن و تقویت استعاره به وسیله ذکر چیزی که با مستعار منه مناسبت دارد. این نوع استعاره بلیغ‌ترین نوع آن است؛ چرا که ادعای یکسانی مستعار منه و مستعار له به قدری زیاد می‌شود که گویی استعاره‌ای در کار نیست (الهاشمی، ۱۳۸۸: ۱۸۱/۲-۱۸۲). در بیت فوق، شرع، دستور، الهدی و الحق با مجلس مناسبت دارد. شاعر میدان جنگ را به یک مجلس تشبیه نموده و سپس با حذف مشبه و آوردن واژه‌های ذکر شده به زیبایی و تاثیر آن کمک شایانی کرده است.

۵. خلق شرافتی جاودانه

حادثه عظیم عاشورا عزت و شرافتی می‌آفریند که در نوع خود بی‌نظیر است. مدرسه حسینی مدرسه آموزش بلند همتی در والاترین جلوه آن به شمار می‌رود. این والا همتی است که پرچم مدرسه حسینی را بر فراز بلندترین قله‌های شرافت انسانی در اهتزاز نگه می‌دارد و آموزه‌های آن را جاودان می‌سازد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۲۲۱).

والا همتی از بزرگ‌ترین فضایل انسانی است؛ زیرا هر کس به مراتب بلند و مدارج عالی

رسید، به واسطه این کمال انسانی بود که انسان والا همت تن به تباهی نمی دهد و به مراتب دانی راضی نمی شود و برای تحصیل مراتب عالی و امور متعالی دامت همت به کمر می زند و در راه رسیدن به مقامات شامخ انسانی تلاش می کند (نراقی، بی تا: ۳۰۱/۱)؛ چنان که شبرامام علیه السلام را در صدر همه مصلحان تاریخ می نشاند و می گوید:

لِلْمُصْلِحِينَ قَوَامِيْسٌ مُّخَلَّدَةٌ فِي الْأَرْضِ وَإِسْمُكَ غُنْوَانُ الْقَوَامِيْسِ
«مصلحان قاموس های جاودانه ای در زمین دارند و نام تو عنوان این قاموس هاست.

(شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

در بیت فوق تصدیق قامیس وجود دارد. کلمه اول بیت، در اول یا در وسط یا در میانه مصراع دوم تکرار شود.

در بیت دیگری این گونه می گوید:

هَذَا هُوَ الشَّرْفُ الْبَاقِي فَمَا هَرَمٌ يُعَزِي لِعَنْجِ عَمُونٍ أَوْ رَعْمَسِيْسِ
«این شرافتی است که همواره پایدار می ماند و مانند اهرامی نیست که آن را به شکوه خدایگان مصر نسبت می دهند».

(شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

نهضت امام علیه السلام دنیا را نیز سر بلند کرده است و شاعر عراقی در بیتی به این موضوع اشاره دارد:

تُقِيْمُ نَهْضَتِكَ الدُّنْيَا وَتَقَعْدُهَا لِلْحَشْرِ مَا بَيْنَ إِكْبَارٍ وَتَقْدِيسِ
«نهضت تو دنیا را برپا می دارد و آن را برای حشر می نشاند (نهضت تو باعث سرفرازی دنیا است)».

(شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

بین تقیم و تقعد تضاد وجود دارد. استعاره مکنیه در بیت فوق به چشم می خورد. دنیا را به موجودی تشبیه کرده است که نشست و برخاست دارد و سپس خود موجود حذف شده و به لوازم آن، یعنی حرکت و پویایی آن اشاره شده است و مراد از حرکت بقا و نشاط جامعه اسلامی است.

در بیت دیگری به ارزش این قیام خونین این گونه می پردازد:

لَوْلَاكَ لَانْدَثَرْتَ فَيِنَّا مَعَالِمُهُ فَلَمْ نَجِدْ غَيْرَ رَبْعٍ مِنْهُ مَطْمُوسٍ
«اگر تو نبودی آثار و نشانه های آن [دین] برای ما محوم می شد، پس غیر [حواشی آن]

همه چیز پاک شده بود». (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

از نظر شاعر معاصر عرب، بقای دین اسلام مرهون خون حضرت سیدالشهدا علیه السلام است. در بیت فوق با واج آرای حرف لام رو به رو هستیم. حرف لام در خود معنای ارتباط و چسبیدگی دارد. به همین سبب عرب زبان‌ها از این حرف برای نسبت و مالکیت بهره می‌برند (عباس، ۱۹۹۸: ۸۰).

۶. رسیدن به مجد و بزرگواری

بزرگ منشی و بزرگواری یکی دیگر از نتایج این قیام خونین است که تا ابدیت سرلوحه کار تمام جوانمردان قرار دارد.

خَلَدَتْهَا فَهِيَ لِلْأَجْيَالِ مَدْرَسَةٌ تَتَأَوَّحُ الْمَجْدُ فِي بَحْثٍ وَتَدْرِيسِ
«بین بلندی و تقدیس این قاموس برای همه نسل‌ها مدرسه‌ای است که مجد و بزرگواری در آن یاد داده می‌شود». (شبر، ۱۹۸۰: ۱۰/۲۶۳)

بین مدرسه، بحث و تدریس مراعات النظیر وجود دارد.

نگاهی به زندگی خوشدل تهرانی

علی اکبر صلح خواه متخلص به «خوشدل تهرانی» فرزند حاج رحیم، جدش مهدی بیگ کرمانشاهی از ایل سنجانی است. وی در سال ۱۲۹۳ ش در تهران چشم به جهان گشود. خوشدل تحصیلات خود را تا مرز دیپلم ادامه داد و سپس نزد حاج شیخ علی رشتی که یکی از استادان ادبیات عرب بود مغنی و مطول را آموخت و چندی نیز در اصفهان و شیراز به تکمیل ادبیات و منطق و تا حدودی فلسفه مشغول شد. وی مدت سی سال به سیروس و سیاحت به نقاط مختلف ایران پرداخت و سال‌ها نیز کشورهای دیگر اسلامی را با شوق طی کرد. از آن جا که وی کسوت روحانی داشت بیشتر مضامین اشعارش در مدح و ثنای ائمه اطهار علیهم السلام و حقایق اسلام است و برای هریک از چهارده معصوم علیهم السلام ۷۱ قصیده به تعداد سال‌های عمرش سروده است. او از علمای واقعی و عرفای حقیقی به احترام تمام یاد کرده است.

خوشدل سال‌ها به بیماری قلبی مبتلا بود و سرانجام در اول مهرماه سال ۱۳۶۵ ش

چشم از جهان فرو بست و در این بابویه به خاک سپرده شد (محمدزاده، ۱۳۸۳: ۱۴۶۳/۲).

یکی از بهترین سرمشق‌های مبارزه در عصر معاصر، نهضت عاشورا بود. بنابراین اشعار و نوحه‌های عاشورایی این عصر، به طور ویژه در دهه‌های چهل و پنجاه، محمل موضوعاتی از قبیل فلسفه قیام حسینی شد، روح حماسی به خود گرفت و معناگرایانه ارائه گشت. اگر از این دسته شاعران بخواهیم یکی نفر را برگزینیم، بی‌گمان روحانی شاعر، علی‌اکبر صلح‌خواه مشهور به خوشدل تهرانی است. این نکته با پیوستن به زمان انقلاب اسلامی و رشد و رواج و رونق و بهبود کیفیت معنایی شعر عاشورایی، پرورده‌تر و کامل‌تر گشت (کافی، ۱۳۸۶: ۴۷۵).

بنیان مذهبی انقلاب و شکل‌گیری آن بر اساس دریافت صحیح از نهضت عاشورا، فراوانی شاعران عاشورایی را در عصر حاضر سبب شده است؛ به نحوی که در این عصر، تنها اقبال‌مندان و توفیق‌نویسان، همچون دوره‌های گذشته به سراغ شعر عاشورایی نمی‌روند، بلکه برترین شاعران عصر و انقلاب، بزرگ‌ترین شاعران عاشورایی نیز به شمار می‌آیند (همو: ۱۰۳).

دستاوردهای قیام حسینی در شعر خوشدل

شاعر معاصر ایرانی در دیوان شعرش چندین شعر درباره قیام حسینی دارد که به یکی از مشهورترین آنها پرداخته ایم. یکی از ویژگی‌های این قطعه شعر این است که انتخاب واژگان با صلابت لحن حماسی شعر را با حزن و شکوهمند درهم آمیخته است.

۱. دعوت به حیات عزتمندانه

خوشدل تهرانی راز جانبازی امام علیه السلام را در اقبال به حیات عزتمند می‌داند و این‌گونه می‌سراید:

بزرگ فلسفه نهضت حسین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۴۵)

مرگ سرخ کنایه از شهادت است. در آستانه ظهور، جنگ‌های خونین فراوانی رخ

خواهد داد که بسیاری از مردم کشته خواهند شد. از این کشتار، به مرگ سرخ یاد شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

... فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالْسَيْفُ؛ (سلیمان، ۱۳۸۸: ۳۹۲)

اما مرگ سرخ [کشته شدن با] شمشیر است.

این مرگ را از آن جهت سرخ می‌نامند که قتال با نفس و مستلزم پیکاری خونین است. در مرگ سرخ نفس ذبح می‌شود و چون ذبح با خون همراه است، قتل نفس را موت احمر می‌خوانند (ابن عربی، ۱۴۱۹: ۱/۲۵۸). بیت فوق یادآور این جمله امام علیه السلام است که فرمود:

مَوْتُ فِي عَيْنٍ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۴/۱۹۲)

مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است.

در بیت فوق با دو صنعت تعویض موصوف و صفت و تتابع اضافات که آوردن کسره‌های متوالی است خواه در اضافه باشد و خواه در وصف (همایی، ۱۳۸۹: ۲۶) روبه‌رو هستیم. بین مرگ و زندگی تضاد وجود دارد. واج آرایی حرف «ن» در بین به چشم می‌خورد. خاصیت نون در حزن و اندوه صوت آن است و صدای گریه و ناله نتیجه این صوت حزین است و با مشدد شدن نون در آخر لفظ، ویژگی‌های حزن‌انگیز بودن آن بر سایر ویژگی‌هایش غلبه می‌کند (عباس، ۱۹۹۸: ۱۴۳).

۲. ظلم ستیزی

یکی از بارزترین درس‌های این قیام ظلم ستیزی است. آن‌کس که با ظلم می‌ستیزد جوانمرد و آزاده است. حسین علیه السلام با نهضت خود راه آزادی را بر همگان گشود، چنان‌که در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام منقول از امام صادق علیه السلام آمده است:

وَبَدَلٌ مُهَجَّتُهُ فَيَكُ لَيْسَتْ تَقْدَّ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَخَيْرَةُ الصَّلَاةِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۴:

۳۳۱/۱۰۱)

و خون قلبش را در راه تونشارکرد تا بندگان را از ناآگاهی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد.

حسین مظهرآزادگی و آزادی است

خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است

شاعر ایرانی نیز در تداوم مسیر ظلم ستیزی این گونه می‌سراید:

نه ظلم کن به کسی نه زیر بار ظلم برو

که این مرام حسین است و منطق دین است

نخستین بیت شاعر در این بخش، این جمله مشهور امام را در ذهن تداعی می‌کند که

در روز عاشورا خطاب به دشمنان فرمود:

إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَكُنْتُمْ لِاتِّخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ؛ (همو: ۵۱/۴۵)

ای پیروان آل سفیان! اگر شما دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، پس [لااقل]

در زندگی خود آزاده باشید.

بیت دوم نیز تلمیحی به این سخن ایشان است که فرمود:

إِنَّ نَفْسِي لَا كَبْرُ مِنْ ذَلِكَ وَهَمَّتِي لِأَعْلَى مِنْ أَنْ أَجْمَلَ الصَّيْمِ خَوْفًا مِنَ الْمَوْتِ؛

(الشریفی، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

منش من بزرگ‌تراز این است و همّت من عالی‌تر است از آن‌که از ترس مرگ، به زیر

بارستم روم.

در دومین بیت در کلمه ظلم، تصدیر مصراع و وجود دارد. تصدیر مصراع نوعی از

تصدیر است که واژه در ابتدا و انتهای مصراع تکرار شود.

در این مسیر حتی اگر خون هم ریخته شود مبارک است؛ چنان‌که شاعر می‌گوید:

ز خاک مردم آزاده بوی خون آید نشان سروری و راه دین این است

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۴۵)

ترجیح منطق بر احساس

شاعر معاصر ایرانی معتقد است آن‌چه باید در بازخوانی و بازاندیشی این حماسه

عظیم رخ دهد، بصیرت و واقع‌اندیشی است. به عبارت دیگر، عقل باید بر احساس

پیشی گیرد تا عمق این نهضت بیشتر بر همگان نمایان شود. یکی از رسالت‌های شعر

عاشورایی معاصر، ترحم‌زدایی از این قیام شکوهمند است.

ناتوانی «بیماری» و «ترحم» به تدریج در فرهنگ شعر عاشورای معاصر زنگ می‌بازند و جای خود را به واژه‌هایی «جهت دار»، «هدف‌مند» و «ارزشی» می‌سپارند. هدف شاعر امروز دیگر در گریاندن عزاداران حسینی خلاصه نمی‌شود و او می‌کوشد به جبران ستمی که ناخواسته توسط شعرای آیینی و در گذشته به آل الله رفته است با تبیین مکارم اخلاقی و تصویر صفات انسانی این بزرگواران و با معرفی مکتبی که آنان برای همه انسان‌ها و در همیشه تاریخ بنیان نهاده‌اند، جایگاه واقعی آنان را نشان دهند و از روی تحریفات عاشورا پرده بردارند و سیمای حقیقی شهدای کربلا را به تصویر کشند (مجاهدی، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۲).

همین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی است

اگرچه گریه بر آلام قلب تسکین است

ببین که مقصد عالی وی چه بود ای دوست

که درک آن سبب عز و جاه و تمکین است

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۴۵)

حسین علیه السلام با بینایی و بیداردلی تمام در راه احیای سنت گام نهاد و دعوت او برای خارج کردن سرنوشت اسلام و مسلمانان از چنگ امویان از سر بینایی و آگاهی بود. تلاش تربیتی این مدرسه بر آن است که آدمیان به بینشی عمیق دست یابند و بر همه امور زندگی شان بصیرت حاکم باشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۲-۱۱۳).

تصدیر در کلمه «گریه» وجود دارد. تکرار صامت بلند «آ» نیز در خود نوعی تنبه و تذکر برای مخاطبان و نوعی آه و سوز از شنیدن صدای «ها» در جان مخاطب نفوذ می‌کند.

احیای دین محمدی

شاعر ایرانی، سرافراشته امام علیه السلام را مایه سرفرازی آل الله می‌داند.

فراز نی سروی گر رود نباشد باک که سرفرازی طاها و آل یاسین است

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۴۵)

در بیت فوق با صنعت تصدیق در کلمه «فراز» روبه رومی شویم. تکرار صامت بلند «آ» ضمن ایجاد فضای حماسی در شعر با خود نوعی معنای فخامت و عظمت این حرکت ارزشمند امام را نیز به گوش مخاطب فریاد می‌کند.

دفاع از شرافت اسلام

حراست از عزت و شرافت دینی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است. امام حسین علیه السلام در حدیثی شریف فرمود:

ما أهون الموت على سبيل نيل العز وإحياء الحق؛ (شریفی، ۱۳۸۳: ۳۶۰)

چقدر مرگ در راه رسیدن به عزت و احیای حق سبک و راحت است.

شاعر ایرانی هیچ چیز حتی مرگ عزیزان را مانعی در این راه برای امامش نمی‌بیند: اگر چه داغ جوان تلخکام کردش گفت که مرگ در راه حفظ شرف چه شیرین (خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۴۵)

بین تلخ و شیرین تضاد وجود دارد و آن قرارداد دو چیز متضاد در مقابل هم است. از دیدگاه شاعر پارسی‌گوی، ما حاصل همه رشادت‌ها و خلوص نیت امام و یارانش حتی در طبیعت نیز جاری و ساری است: ز خون سرخ شهیدان کربلا خوشدل

دهان غنچه و دامان لاله رنگین است

(خوشدل تهرانی، ۱۳۷۰: ۷۴۶)

در بیت پایانی، شاعر با ذکر تخلص شعری خود و با آوردن دو صنعت شعری، به زیبایی به ارزش و اهمیت انقلاب حسینی اشاره دارد. نخست حُسن تعلیل و آن این است که برای صفتی یا مطلبی که در سخن آورده‌اند، علتی ذکر کنند که با آن مطلب مناسبت لطیف داشته باشد و بیشتر ادا با شرط کرده‌اند که این علت ادعایی باشد نه حقیقی (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). سرخی غنچه و گل لاله برگرفته از سرخی خون شهید کربلاست و استعاره بالکنایه یا تشخیص در دو عبارت دهان غنچه و دامان لاله وجود دارد. در هر دو عبارت مستعاره انسان است که با ذکر دهان و دامان به آن اشاره شده



است و آن‌گاه به مستعارمنه یعنی غنچه و لاله افزوده شده است.

نتیجه

با توجه به بیان تعاریف متعدد از ایثار و اقسام گوناگون آن، بهترین نوع ایثار که نشانه کمال بشر است، ایثار جان است و نمونه بارز و تکامل یافته آن حیات ائمه معصومین علیهم‌السلام و به ویژه حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام است که با ترک سفر روحانی حج و همراه ساختن یاران و خانواده خویش، شهادت خویش و به اسارت رفتن خانواده عزیز خود در احیا و ترمیم بنیان‌های جامعه اسلامی گام مهمی برداشت. ایثار اجتماعی یا شهادت طلبی در ادبیات کشورهای عربی و در ادبیات فارسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که آثاری که در این حیطه خلق می‌شوند از تقدس و مانایی بیشتری نسبت به سایر آثار ادبی برخوردارند. مقوله شهادت طلبی در جامعه اسلامی علاوه بر ترغیب و تشویق مردم به ادامه این راه مقدس نتایجی پربار و درخشان برای همه مسلمانان به ارمغان می‌آورد و به حق باید گفت آن‌که جان می‌بخشد جامعه‌ای را احیا می‌کند.

در شعر دو شاعر معاصر سید عباس شبرو خوشدل تهرانی ضمن پرداختن به مقوله ایثار اجتماعی به آثار و نتایج این قیام پر شور و شعور پرداخته شده است. حمایت و صیانت از کیان اسلام، مبارزه با ظلم و جور، اعزاز اخلاص و گذشت، خلق عزت و شرافت، ترجیح منطق بر احساس و رسیدن به کرامت و بزرگواری تنها بخش‌های کوچکی از نتایج این حماسه عظیم تاریخی است که در دو شعر انتخابی آنان مورد اشاره قرار گرفته است.

منابع

- ابن عربی، محمد بن علی (۱۴۱۹ق)، *الفتوحات المکیة*، قاهره، دارالأمین.
- خوشدل تهرانی (صلح خواه)، علی اکبر (۱۳۷۰ش)، *دیوان خوشدل تهرانی*، تهران، نشر ما، چاپ دوم.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹ش)، *مدرسه حسینی*، تهران، انتشارات دریا، چاپ دوم.
- دیلمی، احمد و محمدرضا محسنی نیا (۱۳۸۴ش)، *دانشنامه میزان الحکمة*، قم، دارالحديث، چاپ اول.
- _____ (۱۳۸۷ش)، *تفسیر قرآن ناطق*، قم، دارالحديث.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۹ش)، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران، کومش، چاپ چهارم.
- سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ مهدویت*، تهران، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.
- شبیر، محمد جواد (۱۹۸۰م)، *ادب الطفّ أو شعراء الحُسين علیهم السلام*، الجزء العاشر، بیروت: دارالمرتضی.
- شریفی، محمود (۱۳۸۳ش)، *موسوعة کلمات الإمام الحسین علیه السلام*، قم، منظمة الاوقاف و الامور الخیریه، دار الاسوة للطباعة والنشر.
- عباس، حسن (۱۹۹۸م)، *خصائص الحروف العربیة ومعانیها*، دمشق، اتحاد الكتاب العرب.
- عبید، حسن (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات راه رشد، چاپ اول.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۶ش)، *شرح منظومه ظهر (شرح وتحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز)*، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا.
- مجاهدی، محمد علی (۱۳۹۰ش)، *شکوه شعر عاشوراء در زبان فارسی*، قم، زمزم هدایت.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴ش)، *حکمت نامه امام حسین علیه السلام*، قم، مؤسسه

فرهنگی دارالحدیث.

- محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳ش)، دانشنامه شعر عاشورایی انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸ش)، جان‌ها فدای دین، تدوین: محمد مهدی نادری قمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش)، حماسه حسینی، تهران، صدرا، چاپ چهاردهم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر (بی تا)، جامع السعادات، بیروت، انتشارات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم.
- النصرای، عادل عباس (۱۴۳۶ق)، مجلة ینابیع، السنة ۱۲، العدد ۶۳، نجف اشرف، مؤسسة الحکمة للثقافة الإسلامیة.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول.
- الهاشمی، احمد (۱۳۸۸ش)، جواهر البلاغه، ترجمه: حسن عرفان، قم، بلاغت، چاپ نهم.
- همایی، جلال الدین (۱۳۸۹ش)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، اهورا، چاپ اول.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی